**فرع پنجم: مسافرت با سفینه‌های فضایی که سرعت‌شان بیشتر از سرعت زمین است**

**جلسه 84**

**یک‌‌‌شنبه - 06/01/۹6**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

آخرین مسئله‌ای که از مسائل مستحدثه اوقات الصلاة مانده این است که اگر شخصی در این سفینه‌های فضایی قرار بگیرد، دور زمین حرکت می‌‌کند با سرعت زیاد به نحوی که چه بسا در بیست و چهار ساعت، دو تا روز و دو تا شب دارد و گاهی هم بیشتر، حتی هفت روز و هفت شب هم گفته شده، ‌بحث در این است که وظیفه این شخص چیه؟ آیا برای هر طلوع فجری یک نماز صبح دارد و برای هر زوال شمسی نماز ظهر و عصر دارد و هر غروب شمسی نماز مغرب و عشاء دارد که عملا در بیست و چهار ساعت حداقل اگر دو برابر سرعت این سفینه فضایی باشد نسبت به حرکت زمین، ده تا نماز بر او واجب می‌‌شود.

اختلاف هست. امام قدس سره فرمودند در بیست و چهار ساعت ما بیش از پنج نماز نداریم. و لذا این مکلف در یکی از این طلوع فجرها باید نماز بخواند؛‌ در همه این‌ها لازم نیست نماز بخواند و در یکی از این زوال شمس‌ها باید نماز ظهر و عصر بخواند و در یکی از این غروب شمس‌ها باید نماز مغرب و عشاء بخواند. و حتی بعید نیست بگوییم می‌‌تواند در طلوع فجر اول نماز صبح نخواند، صبر کند زوال شمس که بشود نماز ظهر بخواند، نماز عصر هم نخواند. یعنی اولین نماز یومیه‌اش شده نماز ظهر، غروب آفتاب هم شده نماز عصرش را نخوانده، بعد حالا که غروب آفتاب شده، نماز مغربش را می‌‌خواند، می‌‌گذارد طلوع فجر بعدی که شد نماز صبحش را می‌‌خواند، ‌زوال شمس بعدی که شد نماز عصرش را می‌‌خواند، غروب شمس بعدی که شد نماز عشائش را می‌‌خواند. فیتشابک الظهران و العشاءان.

ایشان فرمودند البته حالا احتیاط این است که آدم این‌جور نکند و ترتیب را مراعات کند؛ نماز ظهرش را بعد از نماز صبح بخواند و موقعی که نماز ظهر را می‌‌خواند نماز عصر را هم همان موقع بخواند.

این نظر امام.

آقای خوئی قدس سره یک تفصیلی دادند در اینجا که وجهش معلوم نیست. فرمودند اگر حرکت این سفینه فضایی دو برابر زمین باشد که عملا بیست و چهار ساعت می‌‌شود دو روز و دو شب، اظهر این است که واجب است ده تا نماز بخواند، برای این دو طلوع فجر دو تا نماز صبح بخواند و برای این دو زوال شمس هر کدام نماز ظهر و عصر واجب می‌‌شود و همین‌طور برای دو غروب شمس هرکدام مستقلا نماز مغرب و عشاء واجب می‌‌شود. و اما اگر این سفینه فضایی آنقدر حرکتش شدید است که هر سه ساعت مثلا یک بار دو زمین می‌‌چرخد، ‌یعنی عملا هر سه ساعت یک شبانه روزش می‌‌شود، ‌اثبات وجوب نماز بر او به این نحو که هر سه ساعت پنج نماز بر او واجب بشود مشکل است جدا و احتیاط این است که هر بیست و چهار ساعت پنج نماز بخواند.

تعبیر ایشان است، می‌‌گویند و لکن لو دارت حول الارض بسرعة فائقة بحیث تتم کل دورة فی ثلاث ساعات او اقل فعندئذ اثبات وجوب الصلاة علیه عند کل فجر و زوال و غروب بدلیل مشکل جدا فالاحوط الاتیان بها فی کل اربع و عشرین ساعة.

این تعبیر، فنی نیست. اول شما می‌‌گویید که اثبات وجوب نماز در این مورد که هر سه ساعت یک دور این سفینه فضایی دور زمین می‌‌چرخد که ظاهرا سفینه‌های فضایی الان حدودا در بیست و چهار ساعت هفت بار دور زمین می‌‌چرخد، ایشان می‌‌فرمایند اثبات وجوب نماز مشکل است که هر طلوع فجر یک نماز صبح، هر زوالی یک نماز ظهر و عصر، هر غروب آفتابی یک نماز مغرب و عشاء. ایشان اول می‌‌فرماید اثبات وجوب نماز به این نحو مشکل است جدا فالاحوط الاتیان بها فی کل اربع و عشرین ساعة خب این‌که احتیاط نیست. یعنی ایشان اصل وجوب پنج نماز را در بیست و چهار این را هم می‌‌گویند احتیاط؟ یعنی مراعات احتیاط به این نحو است که هر بیست و چهار ساعت پنج نماز بخوانیم یا این قدر متیقن است؟ این‌که احتیاط نیست.

اگر شما می‌‌فرمایید که اصلا ادله طلوع و غروب شامل این نمی‌شود، اگر این را می‌‌فرمودید خب اصلا سفر به این نحو باید بگویید حرام است. شما نفرمودید این سفر حرام است، در اینجا نفرمودید و وجهی هم ندارد. خب طلوع فجر دارد این آقا. چه فرق است بین دوبار یعنی هر بیست و چهار ساعت دوبار روز داشته باشد دو تا شب برای این سفینه فضایی یا هفت بار روز داشته باشد، هفت بار شب؟ چه فرق می‌‌کند؟ اگر طلوع فجر انصراف دارد از این موارد، خب فرقی بین دو تا و هفت تا نیست. اگر انصراف ندارد، خب چرا می‌‌فرمایید که احوط در جایی که هفت بار دور زمین در بیست و چهار ساعت می‌‌چرخد این سفینه فضایی این است که پنج تا نماز بخوانیم؟ ‌این‌که احوط نیست.

آقای سیستانی هم نظیر این را دارند. ایشان دارند: اذا کانت الدورة تتم فی کل اثناعشرة ساعة، آقای خوئی گفت فالاظهر، اظهر این است که اگر بیست و چهار ساعت دو تا روز دارد این سفینه فضایی دو تا شب، ‌اظهر این است که برای هر دو تا نماز صبح بخواند، برای هر زوال شمس، دو تا زوال شمس دارد دو تا نماز ظهر و عصر بخواند، دو تا غروب آفتاب دارد دو تا نماز مغرب و عشاء را بخواند، آقای سیستانی الاظهر را تبدیل کرده به الاحوط، الاحوط وجوب الصلاة علیه عند کل فجر و زوال و غروب. ولی ادامه‌اش را مثل آقای خوئی بیان کرده با این توضیح که می‌‌گوید و لکن لو دارت حول الارض بسرعة فائقة بحیث تتم کل دورة فی ثلاث ساعات مثلا او اقل فالظاهر عدم وجوب الصلاة علیه عند کل فجر و زول و غروب و الاحوط حینئذ الاتیان بها فی کل اربع و عشرین ساعة بنیة القربة المطلقة مراعیا وقوع صلاة الصبح بین الطلوعین و صلاة الظهرین بین زوال و غروب بعدها و العشائین بین غروب و نصف لیل بعد ذلک.

مرحوم استاد هم شبیه آقای خوئی بیان کردند.

به نظر ما حق با امام است. چرا؟ برای این‌که ادله‌ای که می‌‌گوید که اقم الصلاة لدلوک الشمس الی غسق اللیل و قرآن الفجر، که اذا طلع الفجر صل صلاة الصبح، انصراف دارد به همین طلوع فجرهای عادی نه طلوع فجرهای سفینه فضایی. اذا زالت الشمس وجب الظهر و العصر، اذا غربت الشمس وجوب المغرب و العشاء انصراف دارد به همین زوال شمس عادی، غروب شمس عادی. و لذا اصلا ما دلیل نداریم بر این‌که این شخص در سفینه فضایی باید برای هر طلوع فجری نماز بخواند، برای هر زوال شمس نماز ظهر و عصر بخواند، برای هر غروب شمس نماز مغرب و عشاء بخواند. حتی دوبارش هم، حتی اگر این سفینه فضایی هر دوازده ساعت یک بار دور زمین بچرخد که عملا بیست و چهار بشود دو روز و دو شب، ما دلیل نداریم که باید این آقا ده بار نماز بخواند. به چه دلیل؟

نمی‌خواهیم بگوییم، خوب دقت کنید! نمی‌خواهیم بگوییم این‌که در صحیحه هشام آمده است: انما کلفهم فی الیوم و اللیلة خمس صلوات، خداوند واجب کرده است در روز و شب پنج نماز را، نمی‌خواهیم بگوییم این روایت دلیل ما است بر این‌که در هر روز و شبی بیش از پنج نماز واجب نیست، نه، ما به این استدلال نمی‌کنیم. چون اولا لقائل ان یقول این آقا در سفینه فضایی دو روز داشت در این بیست و چهار و دو شب، صدق می‌‌کند کلفهم فی الیوم و اللیلة خمس صلوات، هر دوازده ساعت یک شبانه روز است برای این آقا. پس از این روایت نمی‌شود استفاده کرد هر بیست و چهار ساعت پنج نماز بخواند، این آقا در سفینه فضایی هر دوازده ساعت یک یوم دارد و یک لیله. پس از این روایت نمی‌شود چیزی استفاده کرد.

هذا اولا و ثانیا: این روایت در مقام بیان حکم شرعی نیست. در مقام بیان این است که خدا حداکثر توان مردم را به آنها تکلیف نکرده. کلفهم فی الیوم و اللیلة خمس صلوات و هم یطیقون اکثر من ذلک کلفهم بالحج مرة واحدة و هم یطیقون اکثر من ذلک. روایت می‌‌گوید خدا تسامح کرده در تکالیف، ‌حداکثر توان مردم را به آنها تکلیف نکرده، مردم می‌‌توانستند بیش از پنج نماز بخوانند ولی همان پنج نماز را از مردم خواست. ظهور ندارد در تشریع. در مقام بیان یک حیث دیگری است.

شبیه آنچه که در بحث تلقیح مصنوعی مطرح است که اگر تخمک را از یک زنی بگیرند و داخل رحم زن دیگری پرورش بدهند و بچه بدنیا بیاید، آن زنی که این بچه را زاییده تخمک ندارد، فرض کنید، بحث این است که مادرش کیه؟ پدرش خب معلوم است، همان صاحب اسپرم است، صاحب نطفه است. هر کی هست. حالا این کار حلال است یا حرام، ‌بحث دیگری است، اما شرعا و عرفا پدرش صاحب نطفه است. خلافا للسید الحکیم قدس سره که می‌‌فرمود این آقا بی‌پدر است. نه، در عرف عقلاء پدرش را همان صاحب نطفه می‌‌دانند. مؤیدش هم همان روایتی است که زنی با شوهرش همبستر شد بعد رفت با یک دختری مساحقه کرد، این زن با دختری مساحقه کرد، نطفه شوهرش را منتقل کرد به آن دختر و دختر حامله شد، روایت می‌‌گوید که پدر این نوزاد آن آقایی است که صاحب نطفه است. اما بحث در این است که مادرش کیه؟ مادرش در این مثال مانحن‌فیه بحث است صاحبة البویضة است؟ صاحب تخمک است یا صاحبة الرحم هست؟ اختلاف است:

مرحوم آقای خوئی و استاد فرمودند مادرش همین صاحبة الرحم است. چون قرآن می‌‌گوید ان امهاتهم اللائی ولدنهم. مادران‌شان آن‌هایی هستند که این‌ها را زاییدند، ‌پس معلوم می‌‌شود که مادر آنی است که می‌‌زاید این نوزاد را. و آنی که زاییده این نوزاد را این صاحبة الرحم است.

انصافا به این آیه استدلال کردن عرفی نیست. چون در مقام تشریع نیست این آیه. یک امر تکوینی غالبی را دارد می‌‌گوید که بابا! ظهار که می‌‌کنی می‌‌گوید ظهرک علیّ کظهر امّی، مگر این مادر تو است که این‌جور به او می‌‌گویی؟ ان امهاتهم اللائی ولدنهم و انهم لیقولون منکرا من القول و زورا، مادر آنی است که تو را زاییده، تو داری به زنت می‌‌گوید ظهرک علی کظهر امی؟! این در مقام تشریع قانون است که ما بیاییم به این آیه استدلال کنیم که در شرع اسلام مادر آن زنی است که انسان را می‌‌زاید؟!

مانحن‌فیه هم همین است. انما کلفهم فی الیوم و اللیلة خمس صلوات و هم یطیقون اکثر من ذلک در مقام تشریع نیست که قانون بدهد که هر بیست و چهار ساعت پنج نماز بیشتر واجب نیست. این در مقام بیان یک مطلب دیگری است.

[سؤال: ... جواب:] اگر تخمکی را از زنی بگیرند و در دستگاه پرورش بدهند آقای خوئی می‌‌گوید هذا بلاامّ، این بی‌مادر است. نوزاد که در دستگاه پرورش دادنش، رحم مصنوعی، صریحا ایشان می‌‌گوید که این بی‌مادر است.

[سؤال: ... جواب:] اشکالی ندارد. جمعه به لحاظ زمین حساب می‌‌شود ولی این آقا دو تا جمعه دارد دیگه. در همان بیست و چهار ساعتی که... ایام که تغییر پیدا نمی‌کند دیگه، ‌این اعتباری است. ... اشکال ندارد. ببینید! ادله نماز جمعه حالا خیلی دیگه این سفینه فضایی‌ها را متدین فرض کردیم نماز جمعه‌شان هم ترک نمی‌شود، خب روز جمعه زمین روز جمعه آنها هم هست. ... آن در مقام بیان وجوب نماز جمعه است در هر هفته یک بار، هفتگی که عوض نمی‌شود. هفته این هر روز معمولی دو تا روز دارد و دو تا شب ولی کلا شنبه‌اش دو تا روز دارد دو تا شب، یک‌شنبه‌اش دو تا روز دارد دو تا شب. این‌طور می‌‌گویند. روز جمعه‌اش هم دو تا روز دارد دو تا شب. خب در یکی از این دو تا زوال شمس‌ها نماز جمعه را می‌‌خواند دیگه. ... این‌که این روایات که می‌‌گوید که خدا در کل هفته بیش از سی و پنج تا نماز واجب نکرده که یکی نماز جمعه است، ‌این همان اشکال اول ما پیش می‌آید که این ناظر به متعارف است نه ناظر به این کسی که در سفینه‌های فضایی است. و لذا خود آقای خوئی هم گفت اگر دو بار دور زمین بچرخد در هر بیست و چهار این سفینه فضایی باید ده بار نماز بخواند، خود آقای خوئی هم به این مطلب شما ملتزم نبود.

ما ادعای‌مان این است: ما نه بخاطر این روایت انما کلفهم فی الیوم و اللیلة‌ خمس صلوات می‌‌گوییم، می‌‌گوییم اصلا اطلاق نداریم در دلیل وجوب نماز صبح عند طلوع الفجر نسبت به این طلوع فجرهای غیر طبیعی که در سفینه‌های فضایی به وجود می‌آید، اطلاق نداریم. ولی از آن طرف می‌‌دانیم هم در هر بیست و چهار ساعت پنج نماز قطعا واجب است، نتیجه می‌‌شود همان فرمایش امام. اصل وجوب نماز در بیست و چهار ساعت پنج بار، پنج نماز در کل بیست و چهار ساعت قدرمتیقن است، مازاد بر آن مشکوک است، اصل برائت جاری می‌‌کنیم. و مقتضای اصل برائت همینی است که امام فرمودند که می‌‌شود یکی از این طلوع‌های فجر را برای نماز صبحش انتخاب کند، یکی از این زوال‌های شمس را برای نماز ظهرش انتخاب کند، یکی از این زوال‌های را برای نماز عصرش انتخاب کند ولی باید توجه داشته باشد که نماز عصر را بعد از نماز ظهر بخواند، نماز عصر قبل از نماز ظهر خوانده نشود و همین‌طور نماز مغرب و عشاء.

[سؤال: ... جواب:] حالا بحث سفینه‌های فضایی است. ... اگر واقعا هر چهل و هشت ساعت، یعنی یک جوری بود که عقب‌گرد کرد این سفینه فضایی... سفینه فضایی بحثش است نه کره مریخ، سفینه فضایی حرکت قهقری بکند... اگر این‌جور باشد خب ممکن است ملتزم باشیم هر چهل و ساعت پنج نماز واجب است. ... برای این‌که در این بیست و چهار ساعت طلوع و غروب دارد، زوال شمس دارد. ما می‌‌گوییم دلیل نداریم بر این‌که بیش از پنج نماز واجب است در کل بیست و چهار بر این شخصی که در این بیست و چهار ساعت طلوع فجر داشته، غروب شمس داشته، زوال شمس داشته و نسبت به مازاد بر آن، برائت جاری می‌‌کنیم. و لذا فرمایش امام به نظر، قوی می‌آید.

[سؤال: ... جواب:] فرض این است که طلوع فجر شرط نماز صبح هست و این متمکن از تحصیل این شرط هست. ... دلیل وجوب نماز صبح عند طلوع الفجر انصراف دارد که هر طلوع فجری که می‌‌شود یک نماز صبح بخواند. حداقل مقتضای احتیاط این است که وقتی که می‌‌تواند طلوع فجر را درک بکند، این محتمل نیست که بگویند در طلوع فجر نماز نخوان، بگذار آفتاب بالا آمده نماز صحبت را آن وقت بخوان. این محتمل نیست. لااقل مطابق با احتیاط هم همین است. هم محتمل نیست که شارع بیاید بگوید نماز صبح بخوان اما نه در طلوع فجر، عند غروب الشمس. این احتمال، عرفی نیست. و لااقل مقتضای احتیاط هم همین است که یکی از این طلوع فجر‌ها را نماز صبح بخواند، یکی از این زوال شمس‌ها را نماز ظهر و عصر بخواند، یکی از این غروب شمس‌ها را نماز مغرب و عشاء بخواند. بیشتر از این مقتضای اصل برائت این است که چیزی واجب نیست.

اما نسبت به روزه، حالا بحث نماز ما داریم ولی چون روزه را هم مناسب بود مطرح می‌‌کردند، البته حالا روزه چه جوری محقق می‌‌شود؟ آقا کثیر السفر است دیگه، یا سفرش سفر معصیت است، اصلا چه حقی داشت بدون اجازه پدر و مادرش رفته سفینه فضایی، خب باید روزه بگیرد، خب این چه جوری روزه بگیرد؟ یک ماه رمضان شصت روز دارد برای این آقا حداقل. این خودش یک معضلی است. به نظر می‌‌رسد که اینجا هم بگوییم که به اندازه سی روز روزه بگیرد. حالا بیشتر از این دلیل نداریم بر روزه گرفتن.

[سؤال: ... جواب:] خب روزش کوتاه بشود، لطف خداست در حق این شخص. مگر این‌هایی که در سوئد زندگی می‌‌کنند، در زمستان ماه رمضانی که در زمستان واقع می‌‌شود این‌ها دو ساعت روز دارند. الان هم که ماه رمضان افتاده در تابستان ما، در نیمکره جنوبی که بعضی جاها هست که دو ساعت روز دارند، خب خدا این‌جوری خواسته برای‌شان. این‌که اشکال ندارد. کلام این است که ما دلیل نداریم که بیش از سی روز روزه بگیرد. اصل برائت جاری می‌‌کنیم.

[سؤال: ... جواب:] دیگه مقتضای احتیاط همین است. مقتضای احتیاط کامل این است کل این شصت روز، عملا می‌‌شود شصت روز، یعنی هر دوازده ساعت یک شبانه روز برایش می‌‌شود، خب این عملا یک ماه می‌‌شود شصت روز برای این شخص و شصت شب، ‌احتیاط کامل این است که کل شصت روز را روزه بگیرد ولی اصل برائت می‌‌گوید نه، این لازم نیست. احتیاط ناقص این است که هر دو روز را مخیرا، یکی از این دو روز را روزه بگیرد.

[سؤال: ... جواب:] عرض می‌‌کنم ظهور ندارد ادله در این‌که کل این شصت روز را روزه بگیر. ... من شهد منکم الشهر فلیصمه، اصل صوم شهر رمضان واجب است اما این کیفیت، اطلاقی در ادله نیست که ما بیاییم به اطلاق این ادله تمسک کنیم بگویید این آقا شصت روزه بر او واجب است.

[سؤال: ... جواب:] هلال را که مشکل ندارد، هلال را می‌‌بیند که.

**وقت مختص و مشترک**

مسئله دوم از مسائل اوقات الصلاة این است که صاحب عروه می‌‌گوید المراد باختصاص اول الوقت بالظهر و آخره بالعصر و کذا فی المغرب و العشاء عدم صحة الشریکة فی ذلک الوقت مع اداء صاحبته فلامانع من اتیان غیر الشریکة فیه.

مراد از وقت مختص ظهر این است که ما نمی‌توانیم نماز عصر را در این وقت مختص ظهر بخوانیم ولی معنایش این نیست که نماز دیگر را نمی‌توانیم بخوانیم. ‌نماز صبح‌مان قضا شده، اذان ظهر که گفتند اول نماز صبح را می‌‌خوانیم در وقت مختص عصر.

خب این‌که واضح هست و نیاز به بحث ندارد.

و کذا لامانع من اتیان الشریکة اذا ادّی صاحبة الوقت. صاحب عروه می‌‌گوید که و همین‌طور اگر یک شخصی نماز ظهرش را قبل از اذان ظهر خواند به اعتقاد دخول وقت، سلام نمازش داخل وقت شد، این نماز محکوم به صحت است. این نماز ظهر محکوم به صحت است بخاطر روایت اسماعیل بن رباح. روایت اسماعیل بن رباح این است: اذا صلیت و انت تری انک فی وقت و لم یدخل الوقت فدخل الوقت و انت فی الصلاة فقد اجزأت عنک. اگر نماز خواندی به اعتقاد دخول وقت ولی وقت داخل نشده بود، فدخل الوقت و انت فی الصلاة، هنگامی که اثناء نماز بودی وقت داخل شد فقد اجزأت عنک، این نماز مجزی است. و لذا صاحب عروه فرموده است که در این مورد بلافاصله می‌‌توانی بلند بشوی نماز عصر را بخوانی، ‌با این‌که هنوز چهار رکعت از اول اذان ظهر نگذشته، یک السلام علیکم گفتی، چون در سلام نماز یک السلام علیکم کافی است دیگه، تشهد را خوانده بودی قبل از اذان ظهر، یک السلام علیکم را فقط موقع اذان ظهر گفتی و بعد متوجه شدی که بابا! وقت داخل نشده بود، مگر موقع همان السلام علیکم گفتن. خب این روایت اسماعیل بن رباح گفت فقد اجزأت عنک، بلافاصله بلند شو نماز عصرت را بخوان. مراد از وقت مختص این نیست که نتوانی نماز عصر بخوانی، همین‌جور بنشینی اطرافت را تماشا کنی تا به مقدار چهار رکعت از اذان ظهر بگذرد بعد بلند شوی نماز عصر را بخوانی، ‌نه، معنایش این نیست.

دو اشکال به صاحب عروه مطرح شده.

اشکال اول آقای خوئی مطرح کرده. گفته که خب این روایت اسماعیل بن رباح سندا ضعیف است، توثیق ندارد اسماعیل بن رباح و لذا اشکال کرده آقای خوئی به صاحب عروه. به نظر ما این اشکال طبق مبنای صحیح خلافا للسید الخوئی که مشایخ ابن ابی عمیر به نظر ما ثقات هستند قابل تصحیح است. درست است که در سند اسماعیل بن رباح است ولی راوی از او ابن ابی عمیر است و ابن ابی عمیر طبق شهادت شیخ طوسی لایروی و لایرسل الا عن ثقة.

اشکال دوم به صاحب عروه مهم‌تر است. اشکال دوم این است که آقای صاحب عروه! شما که قائل به وقت مختص ظهر هستید، ‌دلیل‌تان هم روایت داوود بن فرقد است، روایت داوود بن فرقد مگر نمی‌گفت اذا دخل وقت الظهر حتی یمضی مقدار ما یصلی المصلی اربع رکعات فاذا مضی ذلک فقد دخل وقت الظهر و العصر، هنگام زوال خورشید وقت نماز ظهر داخل می‌‌شود، بعد از گذشت مقدار چهار رکعت وقت نماز عصر داخل می‌‌شود. خب وقت نماز عصر این آقا داخل نشده که. روایت می‌‌گوید حتی یمضی مقدار اربع رکعات. اگر وقت مختص را قائل نباشید، بگویید نه، ما دلیلی بر وقت مختص ظهر نداریم حرفی نیست اما شما که قائل به وقت مختص ظهر هستید، دلیل‌تان هم این روایت داوود بن فرقد است، روایت داوود بن فرقد می‌‌گوید مقدار چهار رکعت از اذان ظهر تا نگذشته وقت نماز عصر نمی‌رسد. و لذا چه جوری این آقا می‌‌خواهد نماز عصرش را بخواند با این‌که وقت نماز عصر نرسیده.

تامل بفرمایید در این اشکال ان‌شاءالله تا فردا.